



می‌کرد؟

اتفاقاً این کار را سخت‌تر می‌کند. برای مثال من و شما شرایط مشابهی را تجربه کرده‌ایم و درک درستی از هم داریم که به این همدردی می‌گویند. یعنی من و شما همدرد می‌شویم اما برای اینکه ما بتوانیم این همدردی را درست به تصویر بکشیم نباید مستقیم درد را نشان بدهیم. به نظر من آن درد را خود مخاطب باید بکشد. بنابراین اول باید درک را از بازیگر بگیرید، او را به سال‌ها و روزهای قبل بازگردانید و دوباره حادثه را برایش ایجاد کنید که این خودش پروژه بسیار سختی است.

■ **چقدر شانس دیده شدن بچه‌ها و درخشیدنشان در جشنواره فجر را می‌بینید؟**
مهم این است که بچه‌ها دیگر خودشان کوتاه نمی‌آیند. همین الان که من و شما حرف می‌زنیم «حسین بیرانوند» در حال تلاش کردن است. چون شرایط زیستی سختی دارد. حسین اولین بار با ما به سینما آمد. حالا فکر کنید این فرد خودش بازیگر سینما شده است.

حقیقتاً امیدوارم مردم ایران «بیرو» را ببینند و راجع به آن حرف بزنند. به این دلیل که ما جوان‌هایی را داریم که پتانسیل و توان رسیدن به آرزوهایشان را دارند. خانواده‌ها باید بگذارند فرزندانشان به دنبال تجربه‌هایی که می‌خواهند بروند. قطعاً نگاه و خواستگاه جوان‌ها با ما فرق می‌کند. امید دارم بعد از دیدن این فیلم شرایطی را برای بچه‌ها به وجود بیاوریم تا موفق شوند.



حفظ کند. تصمیم گرفتیم که برگردد و روی «مهیار راحت‌طلب» کار کردیم. مهیار به نظر من یکی از سوپرستاره‌های سینما خواهد بود اما متأسفانه در گریم نزدیک به چیزی که می‌خواستیم نمی‌شد. ما که نمی‌توانیم عین آن آدم را بسازیم اما تمام تلاشمان را کردیم که شبیه باشد. برای همین دوباره خواستیم حسین به تهران برگردد اما مدام می‌گفت من نمی‌توانم بازی کنم. اینجا دیگر خودم وارد عمل شدم. راجع به خودم با او صحبت کردم و از مسیر جنگیدن و فیلمساز شدن خودم به او گفتم. حسین را به خانه خودم آوردم. سه‌مرور رابطه عمیقی بین ما ایجاد شد و اعتماد کرد. از روز سوم فیلمبرداری که اولین پلان‌ها را گرفتیم همه را حیرت‌زده کرد و کار را واقعاً جمع کرد. به عنوان کارگردان این را نمی‌گویم به عنوان یک شخص از بیرون می‌گویم که همه بچه‌ها عالی کار کردند و امیدوارم که در فیلم دیده شوند.

■ **این موضوع که «حسین بیرانوند» شرایط زیستی‌اش شبیه به «علیرضا بیرانوند» بود کار شما را راحت‌تر**

برگ برنده: استفاده از جواد عزتی و ترکیب عزتی و آزادی‌ور پس از اثر جنجالی «زخم کاری»
نکته جالب: گریم و تیپ متفاوت جواد عزتی در نقشی متفاوت

«مرد بازنده»

لوکیشن بودم گفتم آن شخص را بفرست تا دستیارانم در ارشاد از او تست بگیرند. گویا بچه‌ها به محل اقامت ما برگشته بودند برای همین «حسین بیرانوند» از بروجرد و سرگچ‌کاری به خانه بچه‌ها می‌رود تا از او عکس و فیلم بگیرند. این لحظه را هرگز از یاد نمی‌برم که «مسعود جیرانی» دستیار دوم من، زنگ زد و گفت «مرتضی علی» بیا که بازیگر را پیدا کردیم. فردای آن روز که برای تست با حسین قرار گذاشتیم خیلی مرتب و منظم بود. در نگاه اول به نظرم پسر بسیار محترم و مودبی آمد و برایم جالب بود که با مکت و فکر کردن پاسخ سوالاتم را می‌دهد. حسین به من گفت تمام اتفاقاتی که برای «علیرضا بیرانوند» افتاده برای منم پیش آمده است. گفت یعنی منم به تهران آمدم، کلی تست فوتبال دادم، در رستوران کار کردم و سرآخر در تیم نفت شاگرد «علیرضا بیرانوند» بودم. وقتی به تهران برگشتیم به علیرضا گفتیم چیزی یادش نیامد اما با نشان دادن عکس‌های متوجه شدیم که واقعا شاگرد بیرانوند بوده است. بعد از حسین دعوت کردیم

که برای شروع کار به تهران بیاید اما وقتی آمد خیلی در ذوق ما خورد به این خاطر که استرسش بالا بود و یک خط دیالوگ را هم نمی‌توانست

در ارشاد خرم‌آباد به کمک آقای «شمس‌الدین آرون» و آقای «پژمان نعمت‌پور» تست می‌کردیم. در انتخاب بازیگر چند فاکتور داشتیم. دوتا از فاکتورهای مهم ما فوتبالیست بودن و داشتن گویش لری بود. البته این را بگویم که داستان انتخاب «حسین بیرانوند» در نقش «علیرضا بیرانوند» خودش یک فیلم می‌شود. یک روز دوست قدیمی به من زنگ زد و گفت شنیدم خرم‌آباد هستی اگر اشکالی ندارد من هم یک نفر را به تو معرفی کنم شاید به درد کارت بخورد. آن موقع من خارج از شهر در حال انتخاب

متأسفانه با شرایط اقتصادی دشواری که در جامعه وجود دارد مردم ما برای رفتن به سینما باید برنامه‌ریزی مالی کنند

همزمان بیست اسنخوان» و «رفتن» است. **سایر عوامل مطرح:** موسیقی «بیرو» کاری از «پیام آزادی» است؛ آخرین اثر آزادی موسیقی سریال نمایش‌خانگی «حرف‌های» ست.

بازیگران: مهدی زمین‌پرداز، سیاوش چراغی‌پور، سعید داخ، رضا داوود نژاد و حسین بیرانوند است. **سرمایه‌گذار:** بنیاد سینمایی فارابی **سرمایه‌گذار آثار مطرحی مثل، «تختی»، «شکستن**

نقاط قوت: پرداختن به فرازونشیب زندگی «علیرضا بیرانوند» از ورود به تهران تا دعوت به تیم ملی ایران **نقاط ضعف:** نا بازیگر بودن شخصیت اصلی قصه